

شادی و نشاط در زندگی از منظر دین اسلام

مأنده انصاری

چکیده:

یکی از مهمترین نیازهای بشر شادی و زیستن شاد است که در جنبه های مختلف حیات آدمی نقش به سزایی دارد.

زندگی دنیایی در اندیشه دینی مزرعه آخرت است و خاستگاه رسیدن به کمال اخروی میباشد. دین زندگی را بستر تکامل میداند و از این رو برای داشتن زندگی موفق، بازم است درست زندگی کردن را آموخت. یکی از این عوامل تاثیرگذار در زندگی موفق، داشتن شادی است. اسلام از آنجاکه دینی است همه جانبه به این جنبه از نیاز فطری توجه داشته است و در سیره و کلام اهل بیت سفارشات در این مورد دیده میشود. همچنین در آیات کتاب الهی نیز به آن توجه شده است.

هدف از این پژوهش بررسی مستندات و آموزه های اسلامی درباره شادی در دین اسلام است چراکه پژوهشهای دیگری که در این زمینه موجود هستند، بیشتر از جنبه های روانشناسانه و نیز مباحث میان رشته ای به این امر پرداختند. روش پژوهش حاضر، مطالعه کتابخانه ای میباشد. پژوهشگر تلاش بر این داشته با مرور روایات و سیره اهل بیت به انواع شادی و نحوه بروز آن در اسلام دست یابد و همچنین روشهای مواجهه و بروز شادی را بررسی کرده و حدود آن را از نظر شارع مقدس بیان دارد

شادی، نشاط، اسلام: کلیدی واژگان

بیان مسئله و مفاهیم:

سرور، خشنودی، خوشحالی، شادمانی در مفهوم شادی مطرح شده اند (معین، ۱۳۸۱، ذیل واژه) همچنین شادی را احساس رضایت مندی و پیروزی در فرد دانسته اند. (دهخدا، ۱۳۷۳، ۸۳۵) هرگاه به معنای شادی توجه بیشتری داشته باشیم، می بینیم که این واژه در ادبیات عرب، تعبیر به فرح شده است. درباره واژه فرح در لسان العرب آمده: فرح یعنی ضد حزن (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲ ص ۵۴۱)، راغب در مفردات گفته: فرح یعنی شرح صدر نسبت به لذت زودگذر و بیشتر آن در لذت های بدنی دنیوی می باشد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶۲۸)

نویسنده کتاب قاموس قرآن در مفهوم آن آورده: «فرح یعنی شادی و شادی همراه با تکبر وی» همچنین به نقل از اقرب الموارد گفته: «سرور در شادی ممدوح به کار میرود ولی فرح در شادی مذموم که موجب تکبر است (کاربرد دارد)، سرور و حبور، از تفکر ناشی است و فرح از قوه شهویه» (قرشی، ۱۳۷۱ ش، ج ۵، ص ۱۵۷) در مجمع البحرین نیز آمده که فرح به معنی سرور، مکروه نیست و فرح استعمال میشود در رضا و سرور و طرب (طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۲، ص ۳۹۷) همچنین گفته شده بطر تجاوز از اعتدال در شادی است. (مصطفوی،

۱۳۶۰ش، ج ۱، ص ۹۲) و آشدر شدیدتر از بطر است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۷۷) با این ترتیب بررسی واژگانی درجات مختلف از شادی صورت گرفت.

مشتقات قرآنی فرح

مشتقات فرح در قرآن ۲۲مورد می باشد که کلماتی چون (تُفرح) و (الفرحین) مجموعاً در یک آیه (قصص ۷۶) آمده بنابراین تعداد آیات فرح ۲۱ عدد خواهد بود. از مهمترین آیاتی که درباره فرح و شادی آمده و مورد توجه میباشد: «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (یونس ۵۸) یگو به فضل و رحمت خدا باید خوشحال شوند که از آنچه گردآوری کرده اند بهتر است.

برخی مفسران در تفسیر آیه فوق آورده اند که منظور از فضل خدا در این آیه، قرآن است ولی منظور از «رحمت» دین اسلام میباشد و انس از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که آن حضرت فرمود هر که را خداوند بدین اسلام هدایت فرمود و قرآن را به وی تعلیم کرد و با اینحال از فقر و نداری شکوه و شکایت کند خدای تعالی فقر و نداری را تا روز قیامت در میان دو چشم او ثبت فرماید و امام باقر علیه السلام در این باره فرمود: فضل خدا رسول خدا(ص) است و رحمت او علی بن ابی طالب میباشد که مؤمنین و شیعیان بوجود مقدسش شادمانی میکنند و حضرتش برای شیعیان بهتر است از طلا و نقره و ثروتی که دشمنان دارند(طبرسی ۱۳۶۰، ج ۱۱، ۳۱۶)

چرایی و ضرورت شادی

در دین مبین اسلام از آنجا که رفتارهایی آدمی همراه با برنامه و روشمند میباشد، به دلایل اهمیت و ضرورت شادی به اختصار میپردازیم.

الف) شادی، سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)؛ بر اساس روایات متعدد پیامبر اکرم و اهل بیت(ع) نیز در مواقعی شاد می شدند به عنوان نمونه در ریاض الابرار آمده که پیامبر(ص) فرمود: «إِنَّ جِبْرِئِيلَ أَخْبَرَنِي بِأَمْرِ قُرْتِ بِه عینی و فرح به قلبی...؛ جبرئیل در مورد امری خبری را به من رساند که چشمم به وسیله آن روشن و قلبم به وسیله آن شاد شد» (جزائری، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۸۶) در مورد امام صادق(ع) نیز روایت شده که از امری شدیداً شادمان شد: «فَفَرِحَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ بِذَلِكَ فَرَحًا شَدِيدًا؛ ابو عبدالله به وسیله آن شدیداً شادمان شد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۷۶) در مورد شاد شدن فاطمه(س) و علی(ع) و دیگر ائمه نیز روایات فراوانی وجود دارد

ب) شادی، صفت متقین

شادی نه تنها سیره اهل بیت(ع) است بلکه یکی از صفات متقین نیز می باشد. طبرسی در مکارم الاخلاق در مورد صفات متقین از امام علی(ع) روایت کرده که: «شَبِّ می کنند با فرح و خوشحالی؛ حذر از آنچه موجب غفلت است و خوشحالی از فضل و رحمتی که نصیبشان شود». (طبرسی، بی تا، ج ۲، ص ۵۰۱)

ج) فراموش نکردن سهم دنیا از شادی؛ از آیات قرآن برمی آید که نباید در مورد شادی از سهم دنیای آن که همان شادی ممدوح است، بی نصیب شد. قرآن کریم می فرماید: «إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تُنْسِ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا؛ هنگامی را که به او گفتند این همه شادی مغرورانه مکن که خداوند شادی کنندگان را دوست نمی دارد و در آنچه به تو داده، سرای آخرت را بطلب و بهره ات را از دنیا فراموش مکن» (قصص ۷۶ و ۷۷) در این آیه قرآن کریم ضمن مذمت شادی از انسان می خواهد که سهم خود را از دنیا فراموش نکند؛ از این جمله اخیر در می یابیم که قرآن تنها شادی ای را که دور کننده انسان از توجه به خدا و سرای آخرت است، مذموم دانسته زیرا از مذمت شادی و بیان عدم علاقه خود به شادی کنندگان جستن سرای آخرت را از انسان طلب می پس کند؛ گویی می خواهد بگوید که شادی مذموم انسان را از توجه به سرای آخرت باز میدارد و اما خداوند در این آیه شادی را به طور مطلق مذموم ندانسته زیرا فرموده در عین جستن سرای آخرت، سهم خود را از دنیا فراموش مکن. پر واضح است که مقصود فراموش نکردن سهم شادی مثبت و ممدوح می باشد.

امیرالمؤمنین علی(ع) در تفسیر عبارت «وَلَا تُنْسِ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» فرموده «لَا تُنْسِ صِخْتَكَ وَ قُوتَكَ وَ فِرَاعَكَ وَ شَبَابَكَ وَ نَشَاطَكَ وَ غِنَاكَ وَ إِنْ تَطَلَّبُ بِهِ الْآخِرَةَ: (یعنی) فراموش مکن سلامتیت و نیرویت و اوقات فراغتت و جوانیت را به شرط اینکه به وسیله آن آخرت را طلب کنی. (ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ص ۲۲۸؛ ابن اشعث، بی تا، ص ۱۷۶)

عوامل مؤثر در ایجاد شادی و نشاط

اسلام دین حلاوت و نشاط است ولی این آیین، شادی آمیخته به کارهای ناروا را تجویز نمیکند. شادی و نشاط از نیازهای طبیعی آدمی است و این نیاز، از عناصر مهم در احساس خوشبختی هر فرد به شمار می آید. عوامل مختلفی در ایجاد نشاط و شادابی مورد نیاز هر انسان، مؤثر هستند که در ذیل به بررسی آنها می پردازیم:

۱. امید

امید می تواند به عنوان یکی از اموری قلمداد شود که مایه نشاط و شادمانی می گردد ولی باید به آن جهت مثبت داد؛ چراکه امید به کسب موفقیتها و رسیدن به جاه و مقام دنیوی و یا رسیدن به ثروت کلان انسان را به آرزوهای دست نیافتنی می کشاند که به شدت زیانبار است؛ اما امید به کسب فضیلتهای مادی و معنوی چنانچه جنبه اخروی داشته باشد و در آن کسب رضای خدا لحاظ گردد. در این صورت به نشاط و سرور دائمی خواهد انجامید و این تجارتی است پایدار که زیانی بدان نمی رسد: «يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ»؛ تجارتی بی زیان و خالی از کساد را امید دارند». (فاطر ۲۹) به همین دلیل خداوند در بسیاری از آیات انسان را به این امر مهم و پرهیز از ناامیدی فرا می خواند؛ برخی از این آیات چنان امید بخش هستند که نشاط و سرور را در انسان به ارمغان می آورد از جمله آیه ای که می فرماید: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ

الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛ بگو ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید، از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است. (زمر/۵۳)

۲. صبر

صبر از بهترین عواملی است که می تواند انسان را در رسیدن به نشاط و سرور واقعی رهنمون سازد چراکه انسان با صبر می تواند به خواسته های مشروع دنیوی و اخروی نائل گردد و در سایه این نیل به خواسته ها، به نشاط و سرور حقیقی دست یابد. همچنین صبر سبب می شود که انسان از جزع و فزع بپرهیزد و بر مشکلات فائق آید، نتیجه چنین صبری بسیار فرح بخش خواهد بود. پروردگار ضمن بشارت به صابران، مشخصات آنها را چنین بیان می کند: «و بشر الصابرين الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَهُهُ رَاجِعُونَ: بشارت ده به صابران آنها که هر گاه مصیبتی به ایشان می رسد، می گویند: ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم» (بقره/۱۵۶ و ۱۵۵) و در سایه چنین صبری خداوند اجر بی حساب به انسان عطا می کند: «إِنَّهُمْ يُؤْفَى الصابرون أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ که صابران اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می کنند» (زمر/۱۰)

۳. توجه به سرچشمه نعمت و رحمت

زمانی که خدا نعمتی به انسان عطا می کند، بسیار مسرور می شود در حالی که آنچه در دست اوست، بخش کوچکی از نعمتهای فراوانی است که خداوند دارا است بنابراین هرچه نعمت بزرگتر، شادمانی نیز بیشتر خواهد بود.

نکته قابل توجه اینکه سرچشمه نعمت بسیار بالاتر از خود نعمت است بنابراین لازم است در هنگام عطای نعمت به منبع آن توجه داشت. برای پرهیز از بی تابی در هر نعمتی لازم است شکر را به جا آورد که انسان در این صورت ضمن در امان ماندن از بی تابی و رسیدن به آرامش، شاهد ازدیاد نعمت: «لئن شکرتم لازیدنکم؛ اگر شکر گذاری کنید، نعمت خود را بر شما خواهم افزود» (ابراهیم، ۷) و دو نوع نشاط خواهد بود: نشاط ناشی از حضور در پیشگاه خداوند و نشاط ناشی از ازدیاد نعمت در اثر شکرگذاری.

۴. میزان معرفت

معرفت انسان میتواند بر درجه نشاط و میزان پایداری آن، اثر مهمی داشته باشد به گونه ای که با اوج گرفتن معرفت و بینش انسان درجه نشاط او نیز افزایش می یابد. از این جنبه، نشاط بر دو گونه است: (۱) نشاط زودگذر و (۲) نشاط ثابت و پایدار.

برخی از انسانها عواملی را موجب نشاط می دانند که متغیر و فانی هستند مانند لذت مقام، لذت پول، لذت شهرت، لذت کسب موفقیت های دنیوی و ... که همه اینها در انسان نشاط زودگذر ایجاد می کنند و دارنده این نوع نشاط در واقع سرابی را حقیقت فرض کرده و وقتی به آن دست یابد، می فهمد که حقیقت به گونه ای دیگر بوده است بنابراین با از دست دادن آن موقعیت، دچار یأس و ناامیدی می شود و این به دلیل معرفت ناقص و بلکه نادرست وی نسبت به این امور بوده و لذا نشاطش زودگذر خواهد بود؛ اما چنانچه به تدریج بر معرفت انسان افزوده شود و از مرحله پیشین، فراتر رود، به همان میزان نیز شادی وی ثابت و پایدار خواهد بود تا جایی که به مرحله نفس مطمئنه برسد که در این حالت به بالاترین درجه نشاط دست خواهد یافت.

در مورد نشاط بدون بی تابی و همراه با آرامش به روایتی از امام صادق (ع) اشاره می‌شود که فرموده اند: «الرضا شعاع نور المعرفة؛ رضا، شعاعی از نور معرفت است و در ادامه پس از ذکر عباراتی دیگر فرمایند: «تفسیر الرضا سرور القلب؛ معنای رضا سرور قلب است» (شهید ثانی، بی تا، ۸۶) از این دو عبارت حضرت (ع) نتیجه می‌توان گرفت که وقتی رضا، سرور قلب باشد، نور معرفت که پرتوی از آن در رضا مشهود است، سرورش به مراتب بیشتر و وصف ناپذیرتر خواهد بود.

۵. مقام رضا و یقین

در کتاب (مراحل اخلاق در قرآن) که بخشی از تفسیر تسنیم است، در تفسیر آیه ۲۳ از سوره حدید آمده: «فرح» در برابر رخدادهای گوارا روا نیست و کسی که بر اثر معرفت از معبر زهد گذشت و به مقام رضا رسید، در هر دو حال مزبور به کار خدا راضی است و این رضا نتیجه محبت و محبت، ثمره معرفت است؛ کسی که خدا را به عنوان مبدأ حکمت و رحمت بشناسد به او دل می‌سپارد و در پیشگاهش سر می‌ساید و این سر ساییدن و دل سپردن، محبت است و یکی از ثمرات این محبت، رضاست (جوادی آملی، ۱۳۸۷ق، ج ۱۱، ص ۳۷۸) امام صادق (ع) در روایتی فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ بَعْدَ لِهِ وَ قِسْطِهِ جَعَلَ الرُّوحَ وَالرَّاحَةَ فِي الْيَقِينِ وَ الرِّضَا؛ قطعاً خداوند به وسیله برابری و عدل خویش شادمانی و راحتی را در یقین و رضا قرار داد. (کلینی ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۱۴۹) دلیل این امر آن است که در حالت یقین و رضا انسان از بی تابی و نگرانی ناشی از دست دادن نعمت، آزاد و از اضطراب به دور بوده و در آرامش کامل به سر خواهد برد.

۶. قرائت قرآن

قرائت قرآن کریم نیز می‌تواند در ایجاد نشاط در انسان نقش مهمی داشته باشد به طوری که آرامش را که مهمترین وسیله جهت رسیدن به کمال است، امام صادق (ع) در این زمینه فرموده اند: «إِنَّ الْقُرْآنَ نَوْرٌ بَصَرِي وَ رَبِيعٌ قَلْبِي وَ جَلَاءُ حُزْنِي وَ ذَهَابٌ هَمِّي؛ قطعاً قرآن نور چشم و بهار قلب و ازبین برنده حزن را برایم فراهم می‌آورد. (همان، ج ۴، ص ۵۰۹)

۷. صله رحم

صله رحم نیز از جمله عواملی است که در کسب نشاط و شادمانی مؤثر است؛ این نشاط از آنجا سرچشمه می‌گیرد که با انجام این عمل از دشمنی و حسادت دیگران در امان بوده و در عوض نسبت به حل مشکلات خود از جانب آنان احساس پشت گرمی می‌کند و از مواردی است که بار غم و حزن انسان را کاسته و در عوض شادی و نشاط و سرزندگی را به ارمغان می‌آورد.

در مورد مصادیق صله رحم در کتاب منهج الیقین اینگونه آمده: از جمله صله رحم، دفع ضرر از ایشان است به قدر مقدور؛ دیگری رسانیدن نفع به هر نوعی که ممکن است؛ دیگری مهربانی مالی و غیر مالی به جمعی که باعث سرور ایشان شود و نفقه دادن ایشان مثل نفقه دادن به زن پدر و مملوک اقارب و مثل آنها، همچنین ابتدا نمودن به سلام و دعا کردن غایبانه و نامه نوشتن اگر حاضر نباشند و هر قدری از صله رحم که ترکش موجب قطع رحم باشد، واجب است و هر چه زائد بر آن باشد، مستحب است. (گلستانه، ۱۳۸۷ش، ص ۲۰۹)

در شادی ممکن است در هنگام شادی گناهی صورت نگیرد ولی در عوض، در شادی زیاده روی صورت گیرد که این امر نیز طبق روایات ممنوع است.

از رسول خدا(ص) در مورد نشانه‌های جاهل سؤال شد. حضرت با ذکر نشانه‌های آن، اینچنین فرمودند: «إِنْ فَرَحَ أَسْرَفَ؛ اگر شاد شود، اسراف میکند (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۸) به نظر میرسد دلیل این امر آن است که اسراف در شادی انسان را به تدریج از یاد خدا غافل می‌کند و سبکی و خفت را به دنبال می‌آورد که در نهایت ممکن است فرد به گناه نیز کشیده شود.

۳. عدم پرده دری و سبک عقلی

سبک عقلی یکی از نتایج اسراف در شادی می‌باشد و حال که اسراف در شادی، چنین نتایجی را به بار می‌آورد پس بهتر است از ابتدا از این کار پرهیز کنیم و پس از اندکی از مجلس شادی خارج شویم. در این باره در کافی از قول امام صادق روایت شده که فرمود: «مردی که به او همام گفته می‌شد و عابد ناسک مجتهدی بود به سوی امیرالمؤمنین(ع) رفت در حالی که او خطبه می‌خواند؛ پس گفت ای امیرالمؤمنین! بر ما به گونه ای صفت مؤمنین را بازگو کن که انگار او را می‌بینیم. سپس امیرالمؤمنین صفات مؤمنین را بر می‌شمرد و یکی از این صفات را اینچنین بیان فرمود: (لَا يَخْرُقُ بِهِ فَرْحٌ وَلَا يُطِيسُ بِهِ مَرْحٌ؛ شادی باعث پرده دری او نمی‌شود و شادی بیش از حد او را سبک عقل نمی‌سازد. (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۲۲۹)

۴. عدم غفلت و سرمستی

سرمستی از جمله نتایجی است که ممکن است شادی مذموم را با خود به همراه داشته باشد. در علل الشرایع از سخن امام حسین(ع) روایت شده که در شرح حال اصحاب الرأس فرمودند: «فَيَعْرِفُونَ رُؤُوسَهُمْ مِنَ السَّجُودِ وَ بِهِمْ مِنَ الْفَرْحِ وَ التَّشَاظُ مَا لَا يُفِيْقُونَ؛ پس می‌شناسند ایشان را از طریق سرهایشان از (اثر) سجده ها و به وسیله آن از شادی و نشاطی که آنها را در غفلت نمی‌اندازد» (ابن بابویه، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، ص ۴۲)

۵. چشم به زمین انداختن

یکی از آداب شادی در هنگام شادی این است که حیا را از دست ندهیم و از مظاهر این حیا که سیره معصومان نیز بوده است، چشم دوختن به زمین در حین شادی می‌باشد. در بحارالانوار در مورد صفات رسول خدا(ص) از حضرت علی(ع) آمده که فرمودند: «إِذَا فَرَحَ غَضَّ طَرْفَهُ؛ هنگامی که شاد شد، چشمش را به زمین می‌انداخت».

(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۱۵۰)

انواع مواجهه و بروز شادی

در مواجهه با شادی و نحوه ابراز آن شاهد روایات مختلفی هستیم که برخی در زمینه مواجهه با شادی همנוعان است و برخی در زمینه مواجهه با شادی اهل بیت(ع) و موارد دیگری دیده شده که به بررسی این حیطه ها می‌پردازیم.

الف) همراهی با شادی دیگران

از روایات متعدد بر می آید که انسان باید نسبت به شادی دیگران عکس العمل مثبت نشان دهد و در شادی با آنها همراهی کند. این امر باعث استحکام دوستیها و تکریم طرفین می گردد؛ از طرفی دیگر این همراهی، باعث دلگرمی و احساس نزدیکی بیشتر صاحبان شادی، به انسان می گردد به گونه ای که امر به معروف و نهی از منکر وی در آنها تأثیر بیشتر و ماندگارتری خواهد گذاشت.

کلینی در کافی از ابن ابی منصور روایت کرده: «من به همراه ابن ابی یعفور و عبدالله طلحه نزد ابی عبدالله(ع) بودم. پس بدون مقدمه فرمود: ای ابن یعفور! رسول خدا فرمود، شش خصلت است که در هر کس باشد بین دو دست خدای عزوجل جای دارد و او دست راست خدا می باشد. ابن ابی یعفور گفت: چه چیز هستند، فدایت شوم. سپس به ذکر این شش خصلت که در مورد رفتار دو مسلمان نسبت به یکدیگر بود، می پردازد و یکی از آن ها اینچنین بیان کند) فرمود: ... «فَفَرَحَ لِفَرَحِهِ إِنْ هُوَ فَرَحَ...» پس شاد می شود به خاطر شاد شدنش، اگر او شاد می شود». (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۱۹۷؛ کوفی اهوازی ۱۴۰۴ق، ص ۴۱)

ب) شاد شدن به خاطر شادی اهل بیت

همراهی با شادی دیگران زمانی مصداق واقعی پیدا می کند که یک سوی ماجرا ائمه اطهار(ع) باشند. صاحب بصائر الدرجات از قول ابی الربیع الشامی روایت کرده که وی می گوید به امام صادق(ع) عرض کردم عمرو بن اسحاق به من حدیثی رسانده. پس فرمود، آن را عرضه کن. گفت: وی می گوید داخل شدم بر امیرالمؤمنین، پس چهره اش را زرد دیدم. گفتم این زردی چیست؟ پس علی(ع) رفتاری او را به یاد آورد و به او گفت: «إِنَّا لَنَفَرِحُ لِفَرَحِكُمْ وَ نَحْزَنُ لِحُزْنِكُمْ وَ نَمْرُضُ لِمَرَضِكُمْ ... قطعاً ما شاد می شویم به خاطر شادی شما و اندوهگین می شویم به خاطر اندوه شما، مریض می شویم به خاطر مریضی شما... (صفار، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۲۶۰)

اهل بیت به خاطر شادی ما شاد می شوند و از غم ما غمگین؛ این رفتار آن بزرگواران نمی تواند بی پاسخ بماند و به دور از انصاف و جوانمردی است که ما در مقابل شادی و غم آنان تنهایشان بگذاریم. طبیعی است که انسان نمی تواند همچون آنان برای اندوهشان، رخ زرد کرده و برای شادیشان با بی خوابی و تهجد شکرگزاری کند، اما می توان در شادی آنان شاد و در غمشان غمگین بود و البته ثمره این عمل نیز به خود فرد بر می گردد.

در زاد المعاد از قول امیرالمؤمنین(ع) روایت شده که فرمود: «ان الله تبارک و تعالی، اطلع إلى الأرض فاختارنا و اختار لنا شیعَةً یَنْصُرُونَا وَ یَفْرَحُونَ لِفَرْحِنَا وَ یَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا؛ قطعاً خدای تبارک و تعالی متوجه زمین شد، پس ما را اختیار کرد و برای ما شیعه ای را اختیار کرد که ما را یاری می کنند و به خاطر شادی ما شاد شوند و به خاطر اندوه ما اندوهگین میشوند» (همان، ۱۴۲۳ق، ص ۲۳۱)

ج) سبقت شادی بر اندوه

گرچه ارتباط با خدا از طریق عبادات معمولاً با حزن و بکاء همراه است لیکن شادی حضور در برابر معبود و لذت ناشی از مناجات با او بر این حزن و اندوه پیشی می گیرد.

امام موسی کاظم(ع) در دعایی می فرماید: «و لَقِنِي عَلَى شَهَادَةٍ مُنْقَادَةٍ تُسَبِّقُ بُشْرَاهَا وَ جَعَلَهَا وَ فَرَحَهَا تَرَحُّهَا؛ و اینکه ملاقات کنم تو را با حضور خاشعانه که بشارتش بر دردناک بودنش و شادیش بر اندوهش سبقت گیرد» (همان، ۱۴۰۳ق، ج ۸۴، ص ۲۵۵)

نکته قابل توجه آنکه در زندگی روزمره نیز شادی و نشاط بر غم رجحان دارد و آن در صورتی است که شادی ممدوح باشد ولی چنانچه شادی، مذموم و افسار گسیخته و همراه با گناه باشد در این صورت غم و اندوه بر چنین شادی رجحان می‌یابد چراکه شادی مذموم انسان را به طغیان و فرعونیت می‌کشاند ولی اندوه، بر عکس می‌تواند باعث توجه بیشتر به معبود گردد؛ اصولاً بیشتر گناهان بزرگ در حالت شادی و سرمستی صورت می‌گیرد.

د) شادی دنیا آمیخته با حزن

در روایات بسیاری داریم که شادی دنیا را آمیخته با حزن معرفی می‌کنند، در اینجا سخن از همزمانی شادی و حزن است به این معنی که شادی دنیا در درون خود حزن را به همراه دارد که این حزن گاه رخ می‌نماید و گاه به صورت نهفته در درون شخص باقی می‌ماند و او را از درون تهی می‌سازد و این به دلیل ماهیت شادیهای دنیوی است. در نهج البلاغه آمده «و احذَرُكُمْ الدُّنْيَا .. يَشْتَدُّ حُزْنُهُمْ و ان فرحوا؛ و شما را از دنیا برحذر می‌دارم (الشریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ۱۶۸) همچنین (چراکه) اندوهشان اندوه مردم را زیاد می‌کند اگر چه شاد باشند. ایشان در مذمت دنیا فرموده اند: «فَرَحُهَا مَشُوبٌ بِالْحُزْنِ؛ شادی اش آمیخته با حزن است».(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰، ص ۱۰۹)

آثار شادی

انسان به طور فطری از غم گریزان و به سوی شادی در حرکت است. شادی و نشاط نه تنها بر روح و روان انسان بلکه بر جسم او نیز تأثیر می‌گذارد. از نگاه اجتماعی نیز شادمانی قلبها را به یکدیگر نزدیک و ترس نگرانی ناکامی و بدگمانی را بی‌اثر می‌کند.

دین مقدس اسلام نیز که تأمین کننده صلاح دنیا و آخرت آدمی است شادیهای مناسب و حلال را تأیید می‌کند و پیروانش را از فسردگی و بی‌حالی برحذر می‌دارد. شادی آثاری دارد که به اختصار به آن اشاره میشود:

الف) شادی قلب در روز قیامت؛ هر کدام از افعال انسانها آثاری دارد. از جمله این رفتار پسندیده، برطرف کردن مشکلات مومنان است که در این باره امام رضا علیه السلام میفرمایند: «مَنْ فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ فَرَحَ اللَّهِ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۶، ص ۳۷۲)؛ هر کس مشکلی از مؤمنی را بر طرف کند خداوند در روز قیامت قلبش را شاد می‌کند.

بنابراین شاد کردن مؤمن و رفع کردن حوائج و نیازهای آنها باعث شادی قلب در روز قیامت می‌شود و از طرفی وقتی دیگران شاد شوند ما از شادی آنها شاد می‌شویم زیرا در درون خود احساس رضایتی داشته که سبب شادی و خوشحالی می‌شود.

ب) انبساط روح؛ یکی از آثار شادی و نشاط این است که روح انسان را توسعه می‌دهد. امام علی علیه السلام

می‌فرماید: شادی باعث انبساط روح و ایجاد وجد و نشاط می‌شود (ابن عاشور، ۱۳۹۳ق، ج ۲۰، ص ۱۸۰)

افرادی که به واسطه شادی دارای روحی بزرگ می‌باشند، در زندگی موفق تر خواهند بود.

ج) محبوب شدن نزد خداوند؛ از آثاری که شادی به خصوص شاد کردن خانواده مؤمن را در پی دارد محبوبیت نزد خداوند است. در این خصوص امام رضا می فرمایند: «فاحب الخلق الی الله من ادخل اهل بیت مؤمن سروراً، (مجلسی، ۱۳۹۶ق، ج ۷۵، ۶۶)؛ محبوبترین انسان در نزد خدا کسی است که بر خانواده مؤمنی شادی وارد کند.

د) رسیدن به درجات عالی بهشت؛ شادی، به خصوص در روزهای فرح معصومان و اعیاد اسلامی باعث رسیدن به درجات عالی بهشت می شود. در این باره امام رضا به ریان بن شبیب می فرمایند: «اگر دوست داری در درجات عالی بهشت با ما باشی به حزن ما محزون و به شادی ما شاد باش (همان، ج ۴۴، ص ۲۸۶) این موارد تنها برخی از آثار و ثمرات شادی و نشاط برای افراد جامعه اسلام می باشد.

نتیجه گیری

شادی نیازی فطری است که در اسلام از آن غفلت نشده و شارع مقدس به آن اهمیت ویژه ای داده است. از دیدگاه اسلام، شادی انواعی دارد. از آنجا که اسلام دارای جامعیت است و برای تمام ابعاد زندگی برنامه دارد، نحوه مواجهه و بروز این امر نیز با سیره اهل بیت مشخص شده است. همچنین حدود و ابعاد آن نیز به طور مشخص در کلام بزرگان دین دیده میشود. عوامل موثر در آن نیز به شکل واضحی بیان شده اند که انسان میتواند با توجه به این بیانات از آنها در زندگی به صورت عملی بهره مند شود.

فهرست منابع:

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن بابویه، علی بن حسین، ۱۳۷۶ش، امالی شیخ صدوق، تهران: کتابچی، چاپ ششم

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول

ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت: دار الصادر، چاپ سو

اول قاهره، چاپ: ۲۰، مصر التنویر، ج ۱ و ۱۳۹۳ق، التحریر طاهر، محمد عاشور ابن

الاسلامی الکتاب دار: الکلم، قم درر و الحکم محمد، ۱۴۱۰ق، غرر بن آمدی، عبدالواحد تمیمی

جبعی عاملی، زین الدین بن علی، ۱۴۱۳ق، مسالک الافهام، بی تا

جزائری، نعمت الله، ۱۴۲۷ق، ریاض الابرار فی مناقب الائمة الاطهار، بیروت: موسسه التاریخ العربی، ج ۱

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷ق، تسنیم، قم: اسرا

حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۲ق، وسایل الشیعه، ج ۱۶، قم: آل البيت

دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۱، لغتنامه، تهران: فاطمی

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات الفاظ القرآن، دمشق: دارالقلم

اول چاپ الاسلامیه، المکتبه: تهران الکافی، شرح ۱۳۸۲ق، محمد صالح، مازندارانی، سروری

،(مترجمان)القرآن، تفسیر فی البیان مجمع تفسیر ش، ترجمه حسن، ۱۳۶۰ بن، فضل طبرسی
اول فراهانی، چاپ:تهرلن

اول، چاپ نجفی مرعشی الله آیت مکتبه: بصائرالدرجات، قم حسن، ۱۴۰۴ق، بن، محمد صفار

(قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۱ ش، قاموس القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه

مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰ش، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر

(کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، الکافی، ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم

(کوفی اهوازی، حسین بن سعید، ۱۴۰۴ق، المومن، قم: مدرسه الامام المهدی(ع)

الحديث دار: قم اليقين منهج ش، محمد، ۱۳۸۷ الدین علا سید گلستانه،

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحارالانوار، چاپ دوم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم

۱۳۹۶ ۹، زمستان سوم، شماره روایات، مجله، سال و آیات منظر از ممدوح فرح تحقق موانع ابراهیمی، طیبیه، اسدپور

و شناختی جامعه های نظریه و اسلام دیدگاه از اجتماعی و فردی نشاط های مولفه. اتابکی، جواد، همکاران

۱۴۰۲ ۱۰، بهار شماره فقه، ای رشته میان مطالعات روانشناسی، فصلنامه

۱۳۹۳ زمستان چهارم، بیستم، شماره اسلامی، سال اجتماعی های پژوهش مجله خارستانی، اسماعیل، سیفی،

و روانشناسی قرآن، فصلنامه دیدگاه از ناسالم شادی های معیار مرتضی، سید علیانسیب، ضیالالدین، نسب، سید علیا

۱۳۹۷ ۱۴، تابستان ایران، شماره رفتاری علوم